



Narrative Study of Economic Protests: Convergent and Divergent Social Forces in the Context of Political Activism

Ismail Aalizad¹, Kosar Darzinejad²

¹ Corresponding author: Assistant Professor Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran. Email: aalizad@atu.ac.ir

² Ph.D. Student, Professor Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.
Email: k_darzinezhadbaboli@alumni.mail.atu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received:
7 February 2025
Revised version
received:
8 March 2025
Accepted:
13 April 2025
Available online:
23 September 2025

Keywords:
Economic-Based
Protests,
Centripetal and
Centrifugal Forces,
Teachers,
Workers from Haft
Tappeh and the South
Pars,
Vita Activa,
Narrative

ABSTRACT

Objective:

The narratives of teachers and workers regarding economic-based protests in recent years have been a prominent subject in the news. The aim of this research is to achieve a confluence of diverse voices in economic-based protests in order to delineate patterns of convergence and divergence among the narrators. To this end, we reviewed existing news reports and engaged with narrators to collect their stories. In order to understand the narratives of activists, we considered the concepts of centripetal and centrifugal forces proposed by Mikhail Bakhtin, as well as Hannah Arendt's tripartite of Vita Activa and Vita Contemplativa. This research employs a narrative methodology based on the accounts of 14 teachers and 13 workers from the Haft Tappeh Agro-Industrial Company and the South Pars Oil and Gas Industry. The findings indicate that while the demands of teachers and workers began from an economic perspective, numerous underlying motivations are embedded both before and after these demands. This suggests that the activism of the narrators is not confined to the level of "labor" but represents an effort towards "action." Furthermore, the realm of activism emerges as a space of unity in diversity, allowing for the formation of a collective "we" while simultaneously preserving differences. Thus, in this sectoral advocacy, we observe the maintenance of differences and their prioritization towards achieving convergences.

Cite this article: Aalizad, Ismail; Darzinejad, Kosar (2025). "Narrative Study of Economic Protests: Convergent and Divergent Social Forces in the Context of Political Activism", *Fasl' nāmeḥ-ye siyāsat (Politics Quarterly)* 55, (3): 705-732, DOI:<https://doi.org/10.22059/JPQ.2025.388963.1008286>



Introduction

This research focuses on the narratives of teachers and workers involved in economic-based protests, aiming to provide insights beyond media reports; utilizing narrative research methodology, it engaged with 14 teachers and 13 workers from the Haft Tappeh Agro-Industrial Company and South Pars Gas and Oil Industry, employing Mikhail Bakhtin's and Hannah Arendt's concepts to frame the analysis. The research findings indicate that while initial demands were economically motivated, deeper motivations were also present, suggesting activism extends beyond mere labor issues to encompass meaningful action, illustrating a complex interplay of unity and diversity within activism. The narrative accounts of these participants have become a focal point of public discourse, and this study endeavors to transcend superficial media portrayals by directly engaging with individuals to gather their personal stories, aiming to provide a nuanced understanding of their motivations and experiences beyond singular labor concerns.

Methodology

This study employs a narrative research methodology to analyze personal accounts, collecting and interpreting stories to gain insights that go beyond conventional media reporting. The participants included 14 teachers and 13 workers from the Haft Tappeh Agro-Industrial Company and the South Pars Gas and Oil Industry.

Results and Discussion

Analysis of the gathered narratives reveals that although their demands initially centered around economic grievances, their motivations significantly extend to aspirations for social agency and meaningful engagement, highlighting the dynamic of unity and diversity as they weave personal experiences into a collective narrative that respects individual differences. These insights challenge reductive interpretations of labor protests, advocating for a more nuanced understanding that encompasses diverse motivations and identities within activism. The narratives articulate not only economic challenges but also a broader search for agency, dignity, and recognition within society, with Bakhtin's concepts of centripetal and centrifugal forces illustrating how individuals come together in solidarity while maintaining their distinct identities and motivations—fostering a diverse activist landscape that respects plurality. Drawing on Bakhtin and Arendt, the study suggests that meaningful collective action must embrace various voices and experiences, calling for acknowledgement of the social fabric that informs activism and advocating for a perspective that balances individual agency with collective change.

Conclusion

In summary, this research emphasizes that participation in protests transcends immediate economic demands, reflecting deeper themes of dignity and recognition; it challenges simplified views and underscores activism as a multifaceted expression of human aspiration rooted in diverse motivations. This work highlights the importance of personal narratives in illuminating broader social implications and advocates for a nuanced understanding of social movements. By prioritizing voices of teachers and workers over media interpretations, the study offers a fresh perspective, revealing complex layers that drive activism and enriching discourse with insights from Bakhtin and Arendt. Ultimately, the research calls for further

exploration into activists' motivations and a reevaluation of how protests are understood and represented in society, emphasizing that activism is shaped by both unity and individual diversity in pursuit of systemic change.

روایت‌پژوهی اعتراض‌های معیشت‌پایه؛ همگرایی و واگرایی نیروهای اجتماعی در بستر کنشگری سیاسی

اسماعیل عالی‌زاد^۱، کوثر درزی‌نژاد^۲

^۱ نویسنده مسئول، دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: aalizad@atu.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: k_darzinezhadbaboli@alumni.mail.atu.ac.ir

اطلاعات مقاله چکیده

روایت معلمان و کارگران از اعتراض‌های معیشت‌پایه در سال‌های اخیر، مسائلی پربازدید در اخبار بوده است؛ هدف این پژوهش تحلیل همنشینی صدهای متکثر در اعتراض‌های معیشت‌پایه، جهت ترسیم الگوهای همگرایی و واگرایی در میان رابیان است. به این منظور از اخبار موجود گذر کرده و به رابیان برای گردآوری داستان‌ها رجوع کردیم. برای درک روایت‌های کنشگران، مفاهیم نیروهای همگرا و واگرایی میخائیل باختین و سه‌گانه زندگی وقف عمل/ وقف نظر هانا آرنست مدنظر قرار گرفت. روش این پژوهش از نوع روایت‌پژوهی و مبتنی بر روایت‌های ۱۴ نفر از معلمان و ۱۳ نفر از کارگران شرکت کشت و صنعت هفت‌تپه و صنعت نفت و گاز پارس جنوبی بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مطالبه‌گری معلمان و کارگران از یک نظرگاه معیشتی آغاز شده، اما محرک‌های متعددی در پس و پیش از آن نهفته است؛ به‌گونه‌ای که کنشگری رابیان محدود به سطح «زحمت» نبوده و تلاشی در جهت «عمل» است. علاوه بر این، میدان کنشگری عرصه‌ای از وحدت در عین کثرت است و شکل‌گیری «ما»ی جمعی در کنار حفظ تکثرات میسر می‌شود. به این ترتیب در این مطالبه‌گری صنفی شاهد حفظ تفاوت‌ها و اولویت‌بندی آنها جهت دستیابی به همگرایی‌ها هستیم.	نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ کلیدواژه‌ها: اعتراض‌های معیشت‌پایه، نیروهای همگرا و واگرایی، معلم، کارگر، زندگی وقف عمل، روایت
--	--

* **استناد:** عالی‌زاد، اسماعیل؛ درزی‌نژاد، کوثر (۱۴۰۴). روایت‌پژوهی اعتراض‌های معیشت‌پایه؛ همگرایی و واگرایی نیروهای اجتماعی در بستر کنشگری سیاسی، *فصلنامه سیاست*، ۵۵ (۳)، ۷۰۵-۷۳۲.
<http://doi.org/10.22059/JPQ.2025.388963.1008286>



© نویسندگان.

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

«ببینید، ما چیزی برای از دست دادن نداریم؛ حالا شاید خیلیا شونم بترسن بنده خداها، ولی وقتی به جایی رسید یارو نون شب نداره بخوره، دیگه چیزی برای از دست دادن نداره که بترسه؛ وقتی شرمنده زن و بچشه چیزی برا از دست دادن نداره».

این روایت یکی از کارگران صنایع، در مورد اوضاع معیشتی‌اش در دهه نود شمسی است. دهه نود زمانی که در کوران وقایع اجتماعی اخبار را پیگیری می‌کردیم، معلمان و کارگران نام‌های پربسامدی بودند که در خط مقدم اعتراض‌های معیشت‌پایه صف‌آرایی کرده بودند. تاریخ تحولات سیاسی ایران نشان می‌دهد که مسائل اقتصادی همواره نقطه عزیمت مهمی در جنبش‌های اعتراضی بوده است. این پژوهش در پی روایت رنج‌هایی است که از چشم‌اندازی معیشتی آغاز می‌شوند؛ چشم‌اندازی که از دل نابرابری‌های اجتماعی سر برمی‌آورد. نارضایتی‌های معیشتی مختص قشر خاصی نیست و در تار و پود زیست اجتماعی ما لانه کرده است. با این حال، برخی گروه‌ها همچون کارگران و معلمان در میدان مطالبه‌گری حضور پررنگ‌تر داشته‌اند. همین مسئله ما را بر آن داشت تا بر روایت این گروه‌ها از اعلام نارضایتی‌ها نظر بیفکنیم.

پیش از ورود به میدان پژوهش به‌نظر می‌رسید فقر و استیصال ناشی از عدم پاسخگویی نهادهای فرادست پررنگ‌ترین پدیده این بستر باشد؛ اما با گردآوری روایت‌ها، تکثرات نمایان می‌شود و راویان در قامت کنشگرانی فعال و بانگیزه قد علم می‌کنند. مواجهه با روایت معلمان و کارگران آمیزه‌ای از مطالبات، احساسات، راهبردها و برداشت‌های گوناگون از موقعیتی مشابه بوده است. این پژوهش بر مقاومت‌های اجتماعی سال‌های ۹۶ تا ۱۴۰۱ در بستر مدرسه، کارخانه کشت و صنعت هفت‌تپه و پالایشگاه‌های نفت و گاز تمرکز دارد. چرخه‌های اعتراض از دهه ۹۰، نشان می‌دهد که تشکلهای صنفی معلمان و کارگران از جمله نهادهای فعال در مطالبه‌گری بوده‌اند. اعتراض اغلب پرهزینه و با خطرهایی چون از دست دادن شغل و آزادی‌های مدنی همراه است؛ به‌گونه‌ای که «ترس» از جمله پرتکرارترین احساسات در پیگیری مطالبات محسوب می‌شود؛ این شرایط راویان را به‌تدریج در موقعیتی قرار می‌دهند تا برای غلبه بر ترس، مطالبه را ذیل مناسک اعتراض‌های جمعی ادامه دهند و تشکلهایی منسجم ایجاد کنند.

رویکرد این پژوهش معطوف به معلمان و کارگران با سوابق شغلی متفاوت است که هریک به فراخور تجارب زیسته در محیط کار، مطالباتی ویژه دارند؛ ما با رویکردی تفهیمی در پی فهم سازوکارهای اجماع و قواعد حاکم بر اعتراض‌های معیشت‌پایه میان این دو گروه هستیم. ابتدا برای تقریب به فضای اعتراض، کنشگری معلمان را از خلال کانون صنفی تشکلهای فرهنگیان مدنظر قرار دادیم؛ سپس به‌منظور حفظ تکثرات و مقایسه گروه‌ها، روایت‌های کارگران نیشکر هفت‌تپه گردآوری شد؛ این روایت‌ها ما را به‌سوی تجارب کارگران صنعت نفت و گاز پارس

جنوبی سوق داد. این در حالی است که تاکنون پژوهشی مستقل و مبتنی بر گفت‌وگو با این گروه‌ها انجام نشده است. اگرچه اعتراض معیشتی در نگاه نخست امری مربوط به گذشته تلقی می‌شود، اما مرور روایت‌ها نشان می‌دهد این دغدغه همچنان زنده است و امکان بروز دارد. راویان که در یک فضای فیزیکی واحد اشتغال دارند به تدریج از مجرای گفت‌وگوهای روزمره با همکاران به فضای بین‌ذهنی مشترکی دست می‌یابند. این فضای ذهنی آنها را به چشم‌پوشی از تفاوت‌ها و حرکت به سوی اهداف واحد سوق می‌دهد تا پاسخی درخور برای مطالبات متکثر خود بیابند. این در حالی است که در اغلب پژوهش‌ها در مورد اعتراض، بر یکدستی و هدف مشترک تأکید شده و تفاوت‌ها مغفول مانده است. ما با بهره‌گیری از آرا باختین و آرنست نشان می‌دهیم که مشارکت در اعتراض و شکل‌گیری «ما»ی جمعی به معنای انحلال هویت فردی نیست؛ روایت‌های کنشگران سیاسی در این عرصه از انواع همگرایی‌ها و واگرایی‌ها حکایت دارد. مفاهیم نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز باختین نشان می‌دهد که کلیت یک بستر بر تنوعات و سپس تعهدات متکی است. هانا آرنست نیز در سه‌گانه معروفش در کتاب وضع بشر بر مفهومی مشابه تأکید کرده و با پرداختن به مفهوم «عمل»، به قدرت آغازگری افراد و توان تغییر پرداخته است.

علاوه بر این، گفت‌وگو با راویان برای استخراج تجربه آنها از اعتراض، نکات بدیعی را آشکار کرده که محدود به لحظه اعتراض نیست؛ بلکه تخصص‌ها و همدلی‌ها میان نیروهای اجتماعی نیز نمایان می‌شود. اهمیت این پژوهش در آن است که از طریق روایت یک اعتراض منسجم، به همنشینی صداها و تجربه‌های متفاوت می‌پردازد؛ این تفاوت‌ها در ساحت‌هایی چون نگاه زنانه/مردانه به اعتراض، میزان دستمزد، نوع مطالبات و واکنش «دیگری» به مطالبه‌گری معلمان و کارگران آشکار می‌شود. اتحاد صداها و گوناگون در صحنه اعتراض معیشت پایه امری تدریجی است که با توجه به منافع کنشگران و اهمیتشان رقم می‌خورد. در اینجا به روایت معلمان از فضای مدرسه، کارگران هفت‌تپه از فضای شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه و کارگران پارس جنوبی از بستر پالایشگاه‌های صنعت نفت و گاز می‌پردازیم. در نهایت، این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست:

__ روایت کنشگران از همنشینی مطالبات، احساسات و صداها متکثر در اعتراض‌های معیشت پایه چیست؟

__ همگرایی و واگرایی در مشارکت در اعتراض‌های معیشت پایه در میان معلمان و کارگران چگونه ظهور می‌یابد؟

__ راویان چگونه این اعتراض‌ها را معنا کردند و با آن مواجه شدند؟

۲. مروری بر پیشینه تجربی پژوهش

در ادبیات اعتراض‌های اجتماعی ایران، به‌طور معمول به اعتراضات از منظر بیرونی و بر پایه تحلیل اسناد پرداخته شده و روایت کنشگران سیاسی درباره اعتراض‌های معیشت‌پایه کمتر مورد توجه بوده است. علاوه بر این، اعتراض‌های معلمان اغلب مغفول مانده و تمرکز بیشتر بر نارضایتی کارگران بوده است. برخی آثار، همچون پژوهش آقاجاری و صدیقی (۱۴۰۲)، به برساخت گفتمان‌ها در نظم گفتمانی کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی پرداخته‌اند و بر قدرت جمعی مستقل از تشکلهای تأکید کرده‌اند (Aghajari & Sedighi, 2023). اکبری‌مقدم و حاضری (۱۴۰۱)، به تشکلهای مردمی در اعتراض‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ پرداختند (Akbari-Moghadam & Hazari, 2023). سردارنیا و البرزی (۱۴۰۰)، اعتراض‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ را بی‌اعتماد به تشکلهای صنفی و خودانگیخته معرفی کردند (Sardarneyah & Alborzi, 2023). غلامیان رمجردی و همکاران (۱۴۰۰) نیز با روش پدیدارشناسی به گفت‌وگو با کارگران مجتمع مس شهر بابک پرداختند (Gholamian Ramjardi et al., 2022). در این میان عالی‌زاد و همکاران (۱۴۰۳) به مطالعه اعتراض‌های معلمان و کارگران در دو بستر مجازی و غیرمجازی با روش نظریه داده‌بنیاد پرداختند (Aalizad et al., 2024).

۳. ملاحظات نظری

۳.۱. منطق گفت‌وگویی^۱

روایت معلمان و کارگران در این پژوهش ما را به‌سوی نظریه‌هایی سوق داد که بر همگرایی و واگرایی تأکید دارند. با توجه به روایت‌محور بودن پژوهش، آرای باختین، نظریه‌پرداز روایت، مبنای تحلیل قرار گرفت. او در کتاب *تخیل مکالمه‌ای* نشان می‌دهد چگونه رمان صداها و چشم‌اندازهای گوناگون را در بستر پویایی میان نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز درهم می‌آمیزد (Bakhtin, 1981: 101). این نگاه در اعتراض‌های معیشت‌پایه نیز کاربرد دارد؛ چراکه هم وحدت و هم تفاوت را در کنشگری به رسمیت می‌شناسد.

در اندیشه میخائیل باختین «نیروهای مرکزگرا خواهان یگانه‌سازی و نیروهای مرکزگریز در پی چندگانگی هستند» (Amiri, 2017: 307). حضور چنین نیروهایی کنشگری سیاسی را به عرصه‌ای پویا بدل می‌کند. علاوه بر این، با توجه به اهمیت «روایت‌ها»، قدرت «گفت‌وگویی» زبان در اندیشه باختین نیز مورد توجه قرار گرفت. «منطق گفت‌وگویی» باختین متضمن این

1. Dialogism

اصل است که در هر متن خاصیت «بینامتنی» غالب است و تقریباً هیچ متنی تک‌آوایی نیست (Shamsisa, 2009)؛ به این ترتیب، مکالمه مستلزم حضور دیگری است. تأکید باختین بر خاستگاه اجتماعی زبان و کنش، در تحلیل کنشگری سیاسی نیز قابل استفاده است. «در اینجا پی می‌بریم که جامعه برای باختین زمانی آغاز می‌شود که دومین انسان نمودار می‌شود» و «رابطه بین‌ذهنی» میان کنشگران در یک میدان نقش می‌بندد (Todorov, 1994: 44). به تدریج با گردآوری روایت‌ها، ضرورت به‌کارگیری سایر مفاهیم باختین همچون «هتروگلسیا»، «من برای خویشتن»، «دیگری برای من» و «کورنوتوپ» احساس شد که به فراخوار روایت‌ها تشریح می‌شوند.

۲.۳. زندگی وقف عمل / زندگی وقف نظر

دوگانه‌های سفت و سخت، همچون نظر و عمل، بخش جدانشدنی علوم اجتماعی‌اند؛ اما در این پژوهش، خصایص میدان پژوهش ضرورت پرداختن همزمان به این دو وجه را ایجاب می‌کند. آرنت در وضع بشر، حیات عملی انسان را به سه ساحت زحمت^۱، کار^۲ و عمل^۳ تقسیم می‌کند (Arendt, 2011: 10). آنچه در مدرسه، کارخانه و پالایشگاه رخ می‌دهد، تقابل این سه‌گانه زیست‌عملی است؛ جایی که معلم و کارگر، به دنبال تحقق «عمل» در فضای عمومی‌اند. «عمل» از خلال سخن و مشارکت شکل می‌گیرد، اما فشارهای معیشتی آنان را به «زحمت» مستمر سوق می‌دهد. این افول، نیروی محرک برای کنش سیاسی در جهت رهایی از بازتولید صرف خویشتن می‌شود.

از این مسیر، پژوهش به‌سوی آرای آرنت در حیات ذهن هدایت شد؛ جایی که سه‌گانه «تفکر، خواستن، داوری» تداوم کنش سیاسی را توضیح می‌دهد (Arendt, 2012: 138). تفکر، به یک معنا سخن گفتن فرد با خویشتن است، که در آغاز برای اقناع خود نسبت به امکان کنش سیاسی صورت می‌گیرد (Arendt, 2012: 291). خواستن، تصمیم‌گیری آگاهانه برای تغییر شرایط و داوری، ارزیابی نتایج کنش‌های پیشین است. این چرخه، پیوندی میان ساحت ذهنی و عملی برقرار می‌کند.

به‌طور کلی، اگرچه «تفکر» تجربه‌ای بی‌زمان و در تنهایی فرد است، اما هدفی که کنشگر در مورد آن به تفکر می‌پردازد، امری زمانمند است؛ تنگنای معیشتی که کنشگر سیاسی را به تفکر و عمل وامی‌دارد از منظر زمانی و مکانی به موقعیت خاصی تعلق دارند (Bradshaw, 1989).

1. Labor
2. Work
3. Action

۴. روش پژوهش

در این پژوهش از روش روایت‌پژوهی برای دستیابی به روایت کنشگران سیاسی در اعتراض‌های معیشت‌پایه استفاده شده است؛ روشی که به بازسازی رویداد در بستر زمان و تجربه فردی می‌پردازد. روایت‌های کنشگران در قالب مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، داستان زندگی آنها با محوریت معیشت بود و اعتراض نقطه اوج این داستان تلقی شد. انسان به‌عنوان موجودی قصه‌گو، از خلال روایت، موقعیت‌های بادوام را تفسیر و بیان می‌کند؛ در اینجا روایت «حالتی از ارتباط» است (Zarniyevska, 2016: 35).

برای گردآوری داده، با ۱۴ معلم و ۱۳ کارگر از طریق پلنفرم‌های ایکس و اینستاگرام مصاحبه شد. معلمان دارای مدرک کارشناسی یا کارشناسی ارشد و سابقه شغلی ۱۵ تا ۳۰ سال بودند؛ کارگران نیز از دیپلم تا فوق‌لیسانس و با مشاغل گوناگون در شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه و پارس جنوبی با سابقه‌ای بین ۷ تا ۲۲ سال در پژوهش مشارکت داشتند. تحلیل روایت‌ها با توصیف شخصیت‌ها و نقش‌هایشان در میدان اعتراض آغاز می‌شود. سپس زمینه‌های خاص مدرسه، کارخانه و پالایشگاه ترسیم شده است. در نهایت، مسئله مرکزی روایت، اقدامات کنشگران و تغییرات حاصل از اعتراض واکاوی شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

پی‌رنگ داستان

تصاویر یکی از پس از دیگری می‌آیند؛ شاید پس از گذشت چند سال از اعتراض‌های معلمان و کارگران، محتوای موجود در فضای مجازی جدی‌ترین تصاویر آن روزها باشد. رجوع به معلم و کارگر همچون جست‌وجوی جزئیاتی است که در هیاهوی رسانه‌ای مدفون شده‌اند. در نگاه اول به‌نظر می‌رسد که همه چیز در همین تصاویر است؛ اما روایت، پنجره جدیدی به‌سوی رخداد می‌گشاید. نقطه آغاز به‌منظور مصاحبه، یک اعتراض معیشت‌پایه است؛ اما قدم به قدم، روایت‌ها ابعاد مختلف زیست معلم و کارگر از دغدغه‌های معیشتی تا مسائل سیاسی و اجتماعی را در برمی‌گیرد. این بار راویان به جای تصاویر موجود در فضای مجازی، تصویرگری می‌کنند. روایت آنها از دفتر مدرسه، خیابان‌های منتهی به ادارات آموزش و پرورش، محوطه داخلی شرکت کشت و صنعت هفت‌تپه، خیابان منتهی به فرمانداری شوش دانیال، فضای کریدور اصلی پالایشگاه‌ها و حتی فضای مربوط به فرمانداری بوشهر رنگ و بوی دیگری می‌گیرد. در اینجا تلاش می‌کنیم برحسب روایت معلمان و کارگران آنچه در پس و پیش اعتراض نهفته است را ترسیم کنیم.

۵.۱. تیپ‌بندی راویان در اعتراض‌های معیشت پایه

در ابتدا لازم است تا شمایی کلی از راویان حاضر در پژوهش ارائه کنیم. تیپ‌بندی راویان بنابر مواجهه آنها با اعتراض‌های معیشت پایه و تفسیرشان از این واقعه متفاوت است. در اینجا ابتدا به تشریح رویکردهای راویان در قامت سوژه‌های مصر جهت احقاق حق می‌پردازیم.

وحید (کارگر پارس جنوبی): «میگن هر چی ما می‌گیم بگو درسته، سرتو بنداز پایین برو سر کار؛ و هزینه‌ها از ماشین، از تلفن، از وقتم، از حقوقم، از گرید شغلیم، از هر طریق تنبیه شدم؛ ولی هیچ مشکلی ندارم، فدای تک‌تک همکارام در جامعه کارگری در ایران و در کل جهان [...] اصلاً خون من از خون اون شهدای خط مقدم سوسنگرد و هویزه رنگین‌تر نیست؛ هر اتفاقی می‌خواد بیفته، من می‌جنگم».

امیر (کارگر هفت‌تپه): «بین آدم وقتی به به مرحله‌ای میرسه که هیچی نداره از دست بده مجبوره پیش بره؛ مثل تیمی که یک صفر عقبه دقیقه نوده و واسش فرقی نمیکنه، یک صفر بشه، دو صفر، کامل میره جلو؛ مام دیگه رفتیم جلو یا میشد یا نمیشد».

گروهی از راویان سالیان متمادی در میدان کنشگری سیاسی بوده‌اند و با تحمل هزینه‌ها، همچنان در این مسیر استمرار دارند. در اینجا کنشگران راه‌حل‌های گوناگونی به‌منظور ابراز مطالبات معیشتی خود در پیش گرفته‌اند که گاهاً نتیجه مطلوب آنها عملی نشده؛ با وجود این آنها به این مسیر به عنوان راهی که باید آهسته و پیوسته طی شود می‌نگرند و هزینه‌ها را جزئی لاینفک از مسیر شناخته‌اند.

محمد (معلم متوسطه دوم): «من فعالیت سیاسی می‌کردم، عضو حزب مشارکت بودم؛ [...] بعد خیلی عنوان شد بچه‌هایی که فعالیت سیاسی میکنن جهت‌گیری کانون رو تغییر میدن؛ احساس کردم تنهایی بهتر می‌تونم تأثیرگذار باشم و من [از مجموعه] جدا شدم».

«انشعابیون»^۱ گروهی از کنشگران‌اند که به دلایلی مانند «محمد» از همراهی با اعتراض‌های معیشت پایه کناره‌گیری کرده و کنشگری سیاسی را به‌طور مستقل در سایر حوزه‌ها ادامه داده‌اند. شکل‌گیری چنین نقشی اغلب به محدودیت‌های کانون‌های صنفی معلمان در مورد فعالیت‌های سیاسی برمی‌گشت.

مسعود (کارگر هفت‌تپه): «متأسفانه اهل سوءاستفاده زیادند؛ ما خیلیا داشتیم که مثلاً ۵۷ روز اعتصاب داشتیم؛ می‌بینی حقوقشون رو میگیرن ولی تو این ۵۷ روز میرن سفر شمال، تهران؛ حس مسئولیت نداره».

1. Shifter (Madani Qahfarokhi, 2016: 106)

«توده تماشاگر» جزو راویان این پژوهش نیستند؛ بلکه فقط در محیط کاری مدرسه و کارخانه با راویان مشترک‌اند. این اشتراک سبب می‌شود آنها بدون حضور در صحنه مخاطره‌آمیز اعتراض از مواهب بهره‌مند شوند.

نسرین (معلم): «بین خودمون باشه تو ایران هیچی تأثیر نداره؛ ما نتونستیم هیچ حقی را بگیریم؛ یعنی تحصن کردیم نگرفتیم، نامه نوشتیم نگرفتیم، داد زدیم نگرفتیم، هیچ‌وقت نشد اونا کوتاه بیان یه جایی بگن حق با شماست [...] رتبه‌بندی شده دقیقاً مثل برج‌ها؛ اجرا شد، اجرا نشد؛ حرف زدیم، حرف نزدیم؛ رتبه‌بندی اجرا میشه گرونی میشه، اجرا نمیشه گرونی میشه؛ الآن رتبه‌بندی شامل حال شده ولی ندیدم چیزی هنوز».

«آخر خطی‌ها»^۱ کنشگرانی‌اند که پس از صرف هزینه و تجربه ناکامی تصور کردند که به آخر خط رسیده‌اند و از کنشگری سیاسی کناره‌گیری کردند. آنچه نسرین بیان می‌کند نمایانگر «داوری کردن» در نگاه آرنت است که امکان بازاندیشی در مورد امور را فراهم می‌کند. کنشگر با نگاه به گذشته و محاسبه هزینه/فایده، عقب‌نشینی را بر استمرار ترجیح می‌دهد.

در اینجا رویکردهای راویان طیفی از ثبات قدم تا انفعال را در برمی‌گیرد. این طیف بنابر مطالبات، هزینه‌ها و تفسیر از موقعیت تغییر کرده و راویان جایگاه‌های متفاوتی در کنشگری سیاسی اتخاذ کردند؛ چنین امری تا حد زیادی منوط به زمینه اعتراض‌هاست که بدان می‌پردازیم.

۵.۲. محیط و زمینه اعتراض‌های معیشت‌پایه

۵.۲.۱. شبکه‌های همبستگی نامحسوس

یکی از ابعادی که مشارکت‌کنندگان را جهت حضور در اعتراض‌های معیشت‌پایه مصمم کرد، به مراودات با همکاران در محیط کار و اطلاع‌رسانی‌ها در این بستر برمی‌گردد. به یک معنا، صحنه کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت‌پایه به مثابه «متنی» است که «گفت‌وگویی» در ذات آن نهفته است (Todorov, 1994: 128).

آزاده (معلم متوسطه اول): «وقتی همکارای دیگه‌تون رو می‌بینید که اون‌ها این مطالبه رو دارن و به این درک رسیدن که برای هدف باید وارد میدان بشن باعث ایجاد قوت قلب میشه و خب بودن در خیابان همیشه یسری ترسایی رو داره که ممکنه آسیب ببینم، ممکنه بازداشت بشم، ممکنه که فردا برای کارم مشکلی پیش بیاد؛ این یه چیز طبیعی که وجود داره؛ ولی حضور همکاران اون حس شجاعت و قوت قوت رو به انسان میده».

1. Terminators (Madani Qahfarokhi, 2016: 106)

مجید (معلم متوسطه اول): «مثلاً زنگ تفریحاً همیشه حرف تجمعات بود؛ اون روزایی که می‌خواستیم فرداش بریم تجمعات یه شور و شوقی داشتیم واقعاً؛ یعنی اون احساسی که به من دست می‌داد، احساس مفید بودن، که یکی از اون احساسای ناب انسانی؛ یعنی احساس کنی که مفیدی، احساس کنی کاری میتونی انجام بدی، نمیترسی، میتونی نظرتو آزادانه بگی، بگی که منم هستیم؛ اون روزهای تجمعات یکی از بهترین روزهای زندگیم بود».

مکالمات روزمره و کنش‌های ارتباطی کنشگران در یک فضای فیزیکی مانند مدرسه، کارخانه و پالایشگاه صورت می‌گیرد. در عین حال، انسجام فضای فیزیکی در روایت‌های کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه و پالایشگاه‌های صنعت نفت و گاز «چندصدایی» را به‌نحو ملموس‌تری نمایان می‌کند؛ موقعیت متمرکز کارخانه در هفت‌تپه و عسلویه امکان تجمیع به‌منظور چانه‌زنی را برای گروه‌های کارگران تسهیل کرده و این اشغال فضا نمادی مهم در ترسیم قدرت کنشگران سیاسی بوده است.

۵.۲.۲. اخلاق کار و تعهد عاطفی به محیط اشتغال

نکته بعدی که به‌طور مستقیم با فضای مدرسه و کارخانه در ارتباط است، به تعلق خاطر راویان به محل اشتغالشان برمی‌گردد؛ این دلبستگی، تصمیمات معلمان و کارگران در مورد چگونگی پیشبرد اعتراضات را صورت‌بندی می‌کند.

آزاده (معلم متوسطه اول): «حضور در خیابان نمیتونه به‌صورت مستمر باشه؛ معلم باید تدریس بکنه؛ آموزش که نباید زیر سؤال بره؛ حالا چند روزی که کلاس نرفته، باید جبران بشه؛ به همین دلیل توی فضای حضوری این امکان وجود نداره که ما دائم معلم رو مجبور [به حضور در خیابان] کنیم، جواب نمیده».

این تعهد عاطفی در هفت‌تپه عمیق‌تر است:

پوریا (کارگر هفت‌تپه): «کارگرای هفت‌تپه به‌شدت به شرکت عرق دارن؛ ما همین الانشم یسری مشکلاتی داریم، الان ما بحث همسان‌سازی حقوق‌امون اونجوری که باید انجام نشده و اکثراً همه ناراضین؛ منتهی چون توی فصل بهره‌برداری هستیم و نمی‌خوایم به شرکت لطمه‌ای وارد بشه، هیچ‌کس اعتراضی نمی‌کنه؛ اون زمانم همین بود؛ ما تو ایام کشت، هیچ‌وقت اعتصاب نمی‌کردیم؛ اگر اعتصاب می‌کردیم بچه‌ها رو دو دسته می‌کردیم که دسته‌ای برن سرکار، یه دسته‌شون بیان اعتصاب؛ به خاطر همین مسائل بود که اعتصابات مقطعی میشد».

این ارتباط عاطفی-مکانی را می‌توان از منظر «کرونوتوپ»^۱ در اندیشه باختین فهم کرد. «کرونوتوپ یا زمان-مکان چارچوبی است که در آن رویدادها، شخصیت‌ها و ایده‌ها در یک

1. Chronotope

فضای زمانی و مکانی خاص شکل می‌گیرند و معنا پیدا می‌کنند» (Bakhtin, 1981: 149). چنین پیوندی بستر اصلی اعتراض را تشکیل داده و به آن معنا می‌بخشد. باختین از انواع کروئوتوپ‌ها یاد می‌کند و فضای تجمعات معلمان و کارگران به «کروئوتوپ سالن» نزدیک‌تر است، زیرا محلی برای ملاقات و تعاملات راویان محسوب می‌شود. بنابراین، روایت کنشگران بنا بر اقتضات مدرسه و کارخانه و پالایشگاه اهمیت موقعیت‌هایی همچون زمان کشت و زمان تدریس را دوچندان می‌کند.

سیاوش (کارگر هفت‌تپه): «کجا تا حالا کارگر اعتصاب کرده که مدیرعامل رو، وادار کنه کشت نیشکر انجام بده؟! ما در هفت‌تپه یکی از اعتصاباتمون [بازۀ خصوصی‌سازی و اعتصابات] راجع به کشت بود که آقا شما چرا کشت انجام نمیدین؟! بعد با فشار ما اومدن ۷۰۰ هکتار کشت کردن که بعدم آب ندادن و اوت شد».

در مورد کارگران هفت‌تپه «زمین» پدیده‌ای است که جایگاه ویژه‌ای دارد. بنابراین، کارگر متأثر از این تعلق خاطر نمی‌تواند پیوسته اعتراض‌ها را در فضای فیزیکی خارج از کارخانه پیگیری کند.

۵.۲.۳. تنازع قدرت و شکاف‌های درون‌گروهی

معلمان و کارگران به‌واسطه تعامل در فضای مدرسه و کارخانه به‌تدریج تشکلهایی را تشکیل می‌دهند؛ اما این تشکلهای فضایی عاری از مناقشه نبوده و همواره کشاکش میان نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز قابل مشاهده است. یکی از مهم‌ترین نزاع‌ها به دوگانۀ صنفی/سیاسی برمی‌گردد. به عقیده معلمان، کنشگری در کانون صنفی معلمان مستلزم همگرایی ذیل شعار «صنفی سیاسی نیست» است؛ این امر، نیازمند کناره‌گیری از هرگونه کنش با رنگ و بوی سیاسی است. در مقابل، با معلمانی -همچون محمد (انشعاییون)- مواجهیم که با این دوگانۀ موافق نبود و هرگونه کنشگری برای احقاق حق را معطوف به نظام سیاسی می‌دیدند؛ چنین امری بیانگر واگرایی‌هایی است که در بطن کنشگری سیاسی بوده و در مواردی بر همگرایی و یکپارچگی حاصل از عضویت در صنف فائق می‌آید؛ این در حالی است که «افراد به‌منظور وفاق باید از مرحله من بودن گذر کرده و به مرحله ما بودن گام بگذارند» (Masoudnia & Shafie, 2024: 712). اختلاف‌نظرها در میان معلمان محدود به مسائل داخلی صنف نبوده، بلکه در یک نگاه زنانه، پوشش نیز به‌مثابه امری مرزگذار میان راویان تلقی شده است.

زهرا (معلم متوسطه اول): «یسریام هستن که خیلی خودخواهن، تک‌روئن؛ حالا حتی منی که چادریم بالآخره رفتیم، اومدم، با اینا بودم، حتی یسریاشون به من تهمت زدن که نکنه این نفوذی باشه».

از این گذشته، یکی از عوامل واگرا در میان کارگران شکاف‌های قومی بود. این امر به‌طور مشخص در میان کارگران هفت‌تپه با حضور دو قوم بزرگ عرب و بختیاری قابل مشاهده بود. پوریا (کارگر هفت‌تپه): «من خودم قشنگ یادمه فرماندار وقت شوش اون زمان اومد کنش رو روی سنگر معروف هفت‌تپه درآورد و گفت که اگه شده من این کتم رو می‌فروشم مشکلات شما رو حل می‌کنم؛ اینجا بحث عشایریه؛ یسری از دوستانمون از طایفه ایشون بودن، مام به احترام اونا سکوت می‌کردیم که ببینیم آیا وعده ایشون عملی میشه یا نه؛ خب میدیدم که سر بزنگاه عملی نمیشد و باز دوباره اعتصابات شروع میشد».

تنازع قدرت در میان نیروهای سیاسی نیز موردی است که گاهاً کنشگری سیاسی را تسهیل می‌کند. کنشگر سیاسی در میدان چانه‌زنی، حاکمیت را به‌عنوان دیگری خود می‌بیند؛ به این ترتیب، شکاف‌ها و واگرایی‌های موجود در حاکمیت برای او به‌مثابه موقعیتی است که می‌تواند ثمربخش باشد.

نیما (کارگر پارس جنوبی): «وقتی صدا مخابره بشه، مدیرا و مسئولاً برای حفظ وجهه خودشونم که شده پای کار میان و خیلی از سیاسیون و نماینده‌های مجلس برای عرض اندام وارد میشن، مخصوصاً اگه شرایط طوری باشه که قدرت دست جناح مخالف باشه؛ در واقع هم برای نشون دادن خودشون، هم تخریب جناح سیاسی مخالف و این شکاف‌هایی که وجود داره، کارگرا اگر به درستی حرکت کنن از این شکاف‌ها میتونن به خوبی استفاده کنن و مطالباتشون رو وصول کنن».

۵.۲.۴. استیلای ترس بر خشم

بنابر مصاحبه‌ها، در کنار تلاش به‌منظور غلبه همگرایی‌ها، «ترس» یکی از پربسامدترین عواملی است که از بیان مستقیم مطالبات نارضایتی‌ها جلوگیری می‌کند. این در حالی است که بیان مطالبه مستلزم غلبه بر ترس و پذیرش هزینه‌های ناشی از آن است. در ادامه عواملی چند که به ترس در میان معلمان و کارگران دامن زده روایت می‌شود.

مجید (معلم متوسطه اول): «والا می‌ترسن همین چندرغازیم که درآمد دارن از دست بدن». عامل محدودکننده بعدی، مخالفت حاکمیت با حرکت‌های صنفی راویان است. حاکمیت در برخورد با معلمان و کارگران خواستار محدود کردن فعالیت آنها به «زحمت» است، چراکه «فعالیت زحمت مستلزم حضور دیگران نیست و انسان را به «موجود زحمتکشی که در انزوای کامل به سر می‌برد» تقلیل می‌دهد (Arendt, 2011: 66). از این منظر، در موقعیت‌های گوناگون همچون برگزاری تجمعات که «تماماً در گرو حضور دیگران است»، توانایی «عمل» کنشگران سیاسی نمایان می‌شود و این حرکت‌ها به طرق گوناگون سد می‌شود.

تبسم (معلم متوسطه دوم): «متأسفانه بعد از سال ۹۷، ۹۸ به مقدار شرایط امنیتی تر شد؛ کرونا اولین دلیل بود به مقدار عقب زد همکارا رو؛ به خاطر اینکه جلسات نمی‌تونست برگزار بشه؛ بعد از کرونا که دولت جدید باعث شد که اصلاً دیگه نتوانستیم جلسات درستی رو برگزار بکنیم و این اختلاف‌ها بیشتر شد و میشه گفت به‌نوعی همکاری که تو هیأت مدیره بودن قبل از اون اختلاف داشتن ولی اینا مزید بر علت شد و نتوانستن با هم کنار بیان و اهداف رو تحقق ببخشند [...] تا زمانی که دولت همراهی می‌کرد و تشکل رو قبول داشت ما تجمع رو برگزار می‌کردیم، اعتراض‌مون رو می‌کردیم، خواسته‌هامونو می‌گفتیم حتی می‌رفتیم مجلس با مسئولان صحبت می‌کردیم با سلام و صلوات برمی‌گشتیم اما از مهر ۱۴۰۰ به این ور فشارها بیشتر شده». در کنار این، سابقه کم معلمان و کارگران از جمله عوامل بازدارنده است.

عماد (کارگر پارس جنوبی): «ترس از پذیرفته شدن برای یک کارگر جدید همیشه هست؛... شما تصور کن کسی که با این سختی تونسته چند نفرو کنار بزنه تست بده یا حالا به هر دلیلی پذیرفته بشه و وارد اون سیستم بشه براش مهمه که به همین راحتی این شغلو از دست نده». در این بخش تلاش کردیم به‌منظور صورت‌بندی فضا و زمان اعتراض‌های معیشت‌پایه به رویکردهای راویان بپردازیم. پس از پرداختن به زمینه‌هایی همچون تعاملات راویان، مختصات جغرافیایی فضا، تنازعات موجود در روابط و احساساتی همچون تعلق خاطر و ترس، به سراغ گره اصلی در روایت معلمان و کارگران می‌رویم. به این ترتیب، بخش بعدی کار معطوف به این مطالبات و علل اصلی کنشگری سیاسی است.

۵.۳. مسئله محوری در داستان

۵.۳.۱. تنگنای معیشتی؛ موقعیت بالقوه کنشگری

معلمان و کارگران در خلال صحبت‌های خود پیوسته به ناکافی بودن حقوق ماهانه خود اشاره کرده‌اند. «تفکر» در موقعیت خویشتن بنا به نظر آرنه به‌مثابه عمل سیاسی‌ای است که منجر می‌شود تا کنشگران به‌صورت آگاهانه و مسئولانه دست به «عمل» بزنند. آنها معتقدند که وضعیت معیشت آنها بنا به مسائل اقتصادی موجود در کشور همچنان متزلزل است و امکان شکل‌گیری کنش‌های جمعی دیگر وجود دارد.

مرتضی (کارگر هفت‌تپه): «اینقدر فشار روحی روانی رو خانواده‌ها بود، پلاکارد زده بودن به کارگرای هفت‌تپه نون قرضی میدیم؛ یعنی واقعاً ما رو با بدبختی و فلاکت رسوا کرده بودن؛ سوار به تاکسی می‌شدیم می‌گفتیم کارگر هفت‌تپه هستیم ازمون پول نمی‌گرفت؛ آدم از لحاظ روحی داغون میشد».

خشم فروخورده متأثر از محرومیت نسبی بیانگر ناکامی‌هایی است که در شکل‌گیری اعتراضات مؤثر بوده است. در اصل، زمانی که احساس ناکامی بر فرد در مقایسه با دیگران غالب می‌شود، زمینه برای ابراز خشم مهیا می‌شود. چنین امری فقط محدود به مقایسه خود با سایر کارمندان دولتی نبود، بلکه مقایسه وضع فعلی با گذشته نیز نقشی پررنگ در احساس ناکامی کنشگران داشته است.

ناهید (معلم متوسطه دوم): «همیشه از روز اول حقوق معلم‌ها پایمال شده و ما تو خانواده‌ها مون کسای رو داشتیم که جاهایی غیر از آموزش و پرورش با شرایط خوب کار میکردن؛ من پدرم فرهنگی بود ستم‌هایی که به بابا روا داشته شد [رو دیدم]. خب همه اینا جمع میشه و تو رو ترغیب میکنه که حرکت کنی برای گرفتن حقت؛ زمانی که من بچه بودم و بابا سرکار می‌رفت بن فرهنگیان داشتن و بهترین کالاها رو از فروشگاه‌ها می‌خریدن، ولی الان شما می‌بینید هیچ اثری از چنین چیزی نیست».

۵.۳.۲. بازسازی سپهر عمومی و تداوم سوژگی

معلم و کارگر در عرصه شغلی، خواستار فاعلیت، حق اظهار عقیده و بازپس‌گیری عاملیت از دست‌رفته خود هستند. مطالبات کنشگران سیاسی صرفاً معطوف به عرصه «زحمت» برای بقا نیست؛ بلکه آنها در اعتراض معیشت‌پایه خواستار «کنش» هستند که از خلال تعامل، اقدام به نوآوری و تأسیس میسر می‌شود.

وحید (کارگر پارس جنوبی): «کارفرما خودش رو مالک این مجتمع میدونه؛ اجازه نمیده که کسی براش شاخ و شونه بکشه، بگه قانون اینو گفته. میگه من قانونو تعیین میکنم، من نیروی وزارتخونه هستم صداتم در نیاد؛ کرامت انسانی کارگر اصلاً دیده نشده؛ خصوصی‌سازی اجرا شده، کوچک‌سازی اجرا شده، ولی با اومدن شرکتای پیمانی امتیازات انحصاری و جایگاه (worker) دیده نشده؛ خب این تبعات داره؛ اصل ۴۴ الان زیر سؤال رفته؛ صرفاً یک شبکه‌ای از شرکتای پیمانی و تأمین نیرو اومدن برده‌داری رو رایج کردن».

کارگران به‌عنوان افرادی که به‌طور مستقیم در صنعت مشغول به کارند، در مواردی خود را نسبت به شرایط موجود آگاه‌تر می‌دانند؛ به این ترتیب خواستار اظهارنظر و تصمیم‌گیری در مورد یک پالایشگاه هستند. «کنش» به‌مثابه امری خارق عادت، راویان را از پیوستار یکنواختی که پیش از این ملزم به اجرای آن بودند، خارج می‌کند و زیست آنها فراتر از «رفتار» تداوم می‌یابد.

۵.۳.۳. آشفته‌بازار خصوصی‌سازی

سیاوش (کارگر هفت‌تپه): «من با بخش خصوصی کلاً تو ایران مسئله دارم؛ معتقدم اصلاً ما چیزی به نام خصوصی‌سازی تو ایران نداریم؛ اینا به کپی‌برداری از اقتصاد لیبرالی کردن و آوردن تو ایران؛ به کپی‌ه مثل این دستگاه کپیا هست که جوهرشم تموم شده، به کپی کج و کوله میزنه، بیشتر خودمونی‌سازی بود».

در میان کارگران شکل‌گیری مطالبه‌های جدید منوط به مطالبات قبلی بود، زمانی که کارگران پس از چانه‌زنی‌های مداوم قادر به بازپس‌گیری حقوق معوقه نبودند، به این نتیجه رسیدند که پیگیری این مطالبه باید در سطحی کلان‌تر انجام شود. کارگران پس از چندی ورود بخش خصوصی به هفت‌تپه و همچنین شرکت‌های واسط در پارس جنوبی را مسبب ناکارآمدی‌ها دانستند.

۵.۳.۴. خط قرمز کالایی شدن آموزش

آموزش رایگان در زمره مطالبات متکثری است که معلمان برای دانش‌آموزانشان بر آن پافشاری کرده‌اند.

بهاره (معلم متوسطه دوم): «یکی از مسائل ما آموزش رایگان بود؛ الآن در خیلی از مدارس به زور از بچه‌ها پول میگیرن و من میدونم اینا قشر ضعیفن؛ یعنی همون مبلغ کمی که ازشون میگیرن براشون سخته و بعد به وضع خیلی توهین‌آمیزی میان سرکلاس فلانی پولتو چرا نیوردی؟! خب خیلی این ناراحت‌کننده‌ست».

۵.۳.۵. ستم فیزیکی مبتنی بر آلودگی‌های زیست‌محیطی

وحید (کارگر پارس جنوبی): «پارس جنوبی در بدترین شرایط است؛ آلودگی صنعتی شیمیایی به طرف، از اون ور گرما و شرعی هوا؛ اینجا باید انگیزه‌ای بی‌نهایت باشه که کارگر به وظایف ابتدایی خودش عمل کنه؛ در صورتی که اون انگیزه که نیست اجحافم میشه».

نکته نهایی در این بخش، مربوط به کارگران پارس جنوبی است که به ستم فیزیکی در فضای پالایشگاه بازمی‌گردد، چراکه محیط کاری آنان محیطی صنعتی و خارج از شهر است و آلودگی‌های مجموعه نفت و گاز به‌طور مستقیم سلامت کارگران را به خطر می‌اندازد.

مجموع این دلایل راویان را برای مطالبه‌گری مصر کرده است. در این بخش تلاش کردیم مطالبه کنشگران برای افزایش حقوق و دستمزد را نشان دهیم؛ به عقیده راویان یکی از ارکان مهم برای اظهارنظر و نمودار شدن در عرصه سیاسی حق عمل و کنش‌ورزی است؛ علاوه بر

این، مطالبات متکثر این گروه‌ها، واگرایی‌های موجود را پدیدار می‌کند. در ادامه به شیوه عمل راویان جهت دستیابی به همگرایی می‌پردازیم.

۵.۴. شیوه‌های عمل شخصیت‌ها

۵.۴.۱. اجماع و تفوق خشم

روایت‌ها نشان می‌دهد که عضویت در یک کانون رسمی و همکاری با افرادی که به صورت توأمان در یک صنف عضو هستند، زمینه‌ساز فعالیت‌های بعدی بوده است. در اینجا با سازمان‌هایی همچون کانون صنفی معلمان، شوراهای کارگری و کانون انجمن‌های صنفی کارگران پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر (SPGC) مواجهیم؛ اما روایت‌ها نشان می‌دهد که عضویت در یک سازمان رسمی بی‌مناقبه نیست.

آزاده (معلم متوسطه اول): «آقایون ما خیلی کار تیمی نکردن، براشون انگار سخته، هر کسی اون برداشت خودش رو می‌خواد جلو بره و من تقریباً از مجموعه خارج شدم باهاشون در ارتباط هستم ولی دیگه به اون شکل نیست [...] آقای [X] بعد آقای [Y] همیشه خیلی روبه جلو و حمله‌کننده جلو میرفتن و من همیشه بهشون اعتراض داشتم و می‌گفتم ببینید با این کار داریم هزینه برای کانون صنفی ایجاد می‌کنیم و این هزینه‌ها باعث میشه که همکار عقب‌نشین می‌کنه... ایشون همیشه علاقه داشت که پرچمو بگیره دستش بره اون جلو داد بزنه و نتیجه‌شم این شد که سال‌ها زندان بود...».

تشکل صنفی نمایانگر دوگانه «دیالوگ»/ «مونولوگ» در روند یک اعتراض است؛ به عقیده باختین (۱۹۸۱)، از خلال حضور «دیگری» و دیالوگ با او آگاهی انسان شکل می‌گیرد. در مقابل «مونولوگ» شکلی استبدادی و سرکوبگرانه است که با سلب بروز «دیگری»، پاسخ او را نمی‌شنود. در چنین نگاهی طرف مقابل نادیده گرفته شده و «تک‌صدایی» تنها صدای موجود است (Bakhtin, 1981: 124-131). به این ترتیب، گاهی در تشکل صنفی که حاصل گردهمایی نیروهای واگرا بوده، تک‌صدایی غالب شده و این انتظاری است که نهادهای فرادست همچون کارفرما از تشکل‌های صنفی دارند؛ بر این اساس در مواردی اقدام به ایجاد تشکل‌های فرمایشی کردند.

احمدرضا (کارگر هفت‌تپه): «در کنار ما کارفرما یه تشکل موازی به اسم شورای اسلامی درست کرده بود که هر جا می‌خواست بره تأییدش کنن که همه چی اصولی داره انجام میشه؛ ولی خب کارگرا اینارو قبول نداشتن؛ دیگه خود دولت دید کسی اینارو قبول نداره؛ من گیرم اینارو بذارم باهاشون مذاکره کنم، مگه اینا میتونن اعتصابو جمع کنن؟! مجبور شد بیاد سراغ ما به عنوان نماینده کارگرا».

در اینجا می‌توان گفت تبدیل یک سازمان غیررسمی به تشکیلی رسمی روند تحمیلی از جانب کارگران بوده است. تأسیس انجمن صنفی کارگران پالایشگاه‌های گاز بوشهر در سال ۱۴۰۰ نیز پس از چانه‌زنی‌های متعدد بوده که سرآغاز مناقشات در این مجموعه بوده است.

۵.۴.۲. سوپاپ اطمینان شکل صنفی

در مجتمع نفت و گاز پارس جنوبی، نخستین انجمن صنفی مجموعه‌های کارگری از یک سو تقویت‌کننده مطالبه‌گری و از سوی دیگر مانعی در مقابل کنشگران بوده است. همنشینی نیروهای واگر و همگرا در متن پالایشگاه یادآور مفهوم «هتروگلیسا»^۱ نزد باختین است. این مفهوم بیانگر وجود نیروهای متکثر در عرصه کنشگری سیاسی است که بستری بالقوه جهت اتخاذ رویکردی همگرا یا واگرا نسبت به یکدیگر را فراهم می‌کند (Todorov, 2019: 183).

وحید (کارگری پارس جنوبی): «من الان متهمم بین همکاران؛ بخشی از همکاران با من هستن، احترام قائلن؛ بخشیم علناً میگن شما شدین سوپاپ اطمینان مجتمع گاز پارس جنوبی؛ شما نمیدارید که ما اعتصاب کنیم؛ حتی گاها با هم درگیرم میشن، درگیری لفظی میشه؛ منم سعی میکنم با تدابیری آرام کنم نفروم، ولی این تا به حدی میشه».

شکل‌گیری انجمن‌های صنفی گامی مهم در جهت مطالبه‌گری کارگران پالایشگاه بوده است؛ با این وجود، انجمن بازنمودی از واگرایی‌ها، طبقه‌بندی‌ها و چندصدایی‌ها است که به‌طور همزمان تعاملات و مناقشات میان کنشگران سیاسی را رقم می‌زند.

۵.۴.۳. اشکال پیش‌رونده مبارزه

در این قسمت بنابر «قوة خواستن» به‌عنوان عنصری پویا در روایت‌ها، قدم‌های تدریجی راویان در کنشگری سیاسی تا نقطه اوج اعتراض را تشریح می‌کنیم. «قوة خواستن» در پی یک تغییر با «عمل» پیوند می‌خورد و راویان را به حرکت وامی‌دارد. به‌طور کلی، این مراحل با مصادیق نافرمانی مدنی مثل «تحریم، تحصن، اعتصاب و تظاهرات خیابانی» در تاریخ معاصر ایرانی شباهت داشته است (Moeinabadi & Mehrabpanah, 2019: 817 & 818).

۵.۴.۱. پیشروی آرام و آگاهی‌بخشی

سیاوش (کارگر هفت‌تپه): «اولین کاری که باید بکنی اینکه به اون جامعه کارگری بگی چه حق و حقوقی داری... [روند] مرحله مرحله‌س، اول باید آگاهی بدی؛ وقتی آگاهی پیدا کرد مطالبه

1. Heteroglossia

میکند حقشو [...] وقتی آگاه شدی که این آیتم تو قراردادت غیرمجازه، کارفرما حق نداره این تعهدو از تو بگیره و این مزایا رو از تو بزنه، خب قانون اینو میگه، مطالبه میکنه...».

در این بخش به فراخور ظهور اشکال جدید مبارزه، اصل «تولد» و «زاده شدن» که از منظر آرنت شرط «زندگی سیاسی» است، رؤیت می‌شود (Arendt, 2011: 44 & 45). کنشگر سیاسی در نسبتی که با دیگران برقرار می‌کند، در نقش مؤلف و مؤسس عمل می‌کند.

انسیه (معلم متوسطه اول): «به نظر من یکی از شاق‌ترین کارها، اینکه شما یه نفرو راضی کنید تو این کشور که بیاد از حق خودش دفاع کنه؛ به نظر من از کار کردن تو معدنم سخت‌تره».

کنشگر در اشکال پیش‌رونده مبارزه از مجرای کنش به‌سوی خلق زیستی جدید حرکت می‌کند. نتیجه این روند الزاماً پیش‌بینی‌پذیر نیست و فرایند حاصل از تعاملات نتیجه نهایی را رقم می‌زند.

۵.۴.۳.۲. بیان شفاهی مطالبه

پس از آگاهی‌بخشی، امکان «کنش‌ورزی سیاسی» به کمک گفت‌وگو و تشکیل کلونی‌های کوچک فراهم می‌شود.

زهر (معلم متوسطه اول): «وزیر برنامه‌ای تشکیل داد که از هر استانی یه معلم تو ویدئو کنفرانس باشه؛ ما بریم اونجا خواسته‌هامونو بگیریم؛ همکارا حرفاشونو زدن؛ از آزادی معلمان، حقوقمون، دانش‌آموزان، یعنی تمام حرفایی که قرار بود گفته‌بشه، گفته شد؛ فکر می‌کنید این آقا برگشت چی گفت؟ برگشت حرف خودشو زد! اصلاً یک‌بار، نگفت که بله آقای فلانی راست گفت؛ خانم فلانی حق داره [...] اصلاً حرف ما رونشنید. اصلاً انگار نه انگار؛ یعنی گوشی برای شنیدن وجود نداره».

نادیده گرفتن مطالبات شفاهی به کنشگران نشان می‌دهد که گفت‌وگو کارساز نبوده و مجوزی برای آزمودن راه‌های جدید چانه‌زنی است.

۵.۴.۳.۳. طرح دعوای مکتوب به نهاد بالادست

کنشگران در شرایطی وارد این مرحله می‌شوند که در زمینه «بیان شفاهی» خواسته‌ها، شانس خود را امتحان کرده‌اند.

مهدی (معلم متوسطه اول): «ببینید گوش شنوا نیست؛ ما تو دوره‌ها طومارهای چند صد هزار نفره بردیم؛ اومدیم گفتیم مثلاً در رابطه با اجرای فلان قانون دوستان طومار امضا بکنن؛ یعنی رفتیم پرینت گرفتیم مثلاً ۱۰۰ هزار نفر امضا بردیم؛ اون طرف گرفت انداخت سطل آشغال،

نماینده مجلس، عضو کمیسیون تلفیق، وقتی که بردیم پیشش خودم شاهد بودم گفتن چی هست این اصلاً».

می‌توان گفت هریک از این مراحل همچون نوعی بخت‌آزمایی است که معلمان و کارگران ثمربخش بودن آنها را محتمل می‌بینند.

۵.۴.۳.۴.۵. مقابله تن به تن با کارفرما

زمانی که گفت‌وگو حلال مشکلات نیست، کنش‌ورزی خشونت‌پرهیز به حاشیه می‌رود و بدنمندی در میدان اعتراض بیش از پیش نمودار می‌شود؛ به تدریج برخوردهای فیزیکی، عدم حضور در محل کار و حضور در سطح خیابان پررنگ می‌شود. در کارخانه و پالایشگاه کارفرما همچون بازوی اجرایی حاکمیت به‌طور مستقیم کارگران را تحت انقیاد می‌گیرد و خواستار محدود کردن فعالیت آن‌ها به سطح «زحمت» است.

عماد (کارگر پارس جنوبی): «شما مدیری داشته باشی که به کار خودش واقف نباشه، وابسته به شرکت باشه، بالا سر شما هم باشه؛ این چقدر به لحاظ روانی شما رو دیوانه میکنه؛ حتی دعوا داشتیم داخل این سکوها، دعوایی که به زد و خورد میرسه، دعوای فیزیکی که منجر به اخراج شده».

مدیریت کنترل‌پیشه ابزاری برای جلوگیری از انواع مطالبه‌گری در میان کارگران است. آنها بیان کردند که پافشاری کارفرما در عدم پرداخت حقوق معوقه عاملی است که به برخوردهای شدید کارگران با کارفرمایان منجر شده است.

۵.۴.۳.۴.۵. نزاع بر سر کنترل فضای کارخانه / مدرسه

در قدم بعدی کنشگران با اشغال فضا، سعی در نمایاندن قدرت خود به کارفرما و نهادهای بالادست دارند.

مسعود (کارگر هفت‌تپه): «ما وقت میدیم؛ ما اعتصاباتمون رو از فضای شرکت شروع می‌کنیم، یه سنگری هست روبه‌روی مدیریت از زمان جنگه، ما اونجا صحبت می‌کنیم؛ کارگرم جلوی این سنگر صف میکشه... ما جلوی این سنگر سخنرانی می‌کنیم و چند روز وعده میدیم اگه اعتراضاتمون رو رسیدگی نکنی ما فردا میکشیم سطح شهر؛ ما دوست نداریم تو شهر ترافیکی بشه، ولی اگه کسی محلی نداشت، مجبور میشیم با خرد جمعی از کارگر پیرسیم فردا دوست داری بری دم فرمانداری؟ وقتی خرد جمعی موافقت کردن ما دم فرمانداری کف شهریم».

در اینجا با دو مفهوم اعتصاب/ تحصن مواجهیم که دربردارنده «همانی در عین غیریت» است؛ به این معنا کنشگران با نظرها‌های مختلف به یک تصمیم جمعی آری می‌گویند (Arendt, 2011: 103).

۵.۴.۳.۶. خیابان؛ آخرین سنگر ایستادگی

در وهله آخر، پس از اینکه پیوسته مورد بی‌اعتنایی مقامات بالادست قرار گرفتند، فضای خیابان را به تملک خود درمی‌آورند تا بتوانند توجهات را جلب کرده و دیگری قدرتمند را وادار به پاسخگویی کنند.

یاسمن (معلم متوسطه دوم): «بین ما گفت‌وگو کردیم، کمیسیون‌های متعدد مجلس رفتیم، نتیجه نگرفتیم؛ همه داشتن بازی میدادن که ما پیگیریم، گفتم خب همون بهتر مثل قبلیا حضور میدانی بریم. حالا ۱۰ نفرم شده دیگه حضور میدانی».

آنچه در انظار عمومی رخ می‌دهد و نزد دیگران نمود می‌یابد، مصداق «حیطه عمومی» از منظر آرنست است. «حیطه عمومی» عرصه کثرت‌ها و امری بین‌الذهانی است. اشغال فضای خیابان امری ناگهانی نیست، بلکه واکنش‌های مقامات کشوری به خواسته‌های کارگران و معلمان آنها را وارد این مسیر می‌کند. زمانی که اعتراض از سطح محدود کارخانه و یا مدرسه به سطح شهر کشیده می‌شود، «کیفیت خصوصی و فردی‌اش زدوده شده و در حیطه عمومی «نمود»^۱ می‌یابد (Arendt, 2011: 97)؛ این پدیده کلان که سطح شهر و فضای فیزیکی را در برگرفته، همانند «جهان مشترکی» است که کنشگران سیاسی را گرد هم می‌آورد (Arendt, 2011: 97).

در این بخش تلاش کردیم برحسب روایت معلمان و کارگران، نحوه عمل کنشگران را ترسیم کنیم. کنشگران برای حضور در میدان نیازمند اجماع و همگرایی نسبی هستند؛ روایت‌ها بیانگر شرایطی است که این همگرایی مطلق نبوده و همواره واگرایی‌ها در جریان‌اند. کنشگران در شش مرحله، از گفت‌وگو تا حضور بدنمند در حیطه عمومی در پی بیان مطالباتشان بودند. در بخش پایانی، نتایج حاصل از این اقدامات از منظر راویان را مطرح می‌کنیم.

۵.۵. رفع مشکل

۵.۵.۱. دیکتاتوری قانون

رفع مشکل، برای راویان داستان به معنای حل کامل مسائل نیست، بلکه آنها از بزنگاه‌هایی یاد کردند که کنشگری‌شان هرچند به‌صورت محدود کارگر افتاده و در مواردی قوانین مصوب همچون «رتبه‌بندی معلمان» تا حدودی عملیاتی شدند.

1. appearance

نیما (کارگر پارس جنوبی): «هدف ما معیشت و مطالبات کارگریه که برابر قانون کار اجرا بشه؛ خوشبختانه تو همون برنامه هم ما تونستیم رتیشن چهار هزار نفر از نیروهای کارو جلب کنیم و نیروهایی که قبلاً بیشتر میرفتن یا بچه شمال بودن یا تهران یا اصفهان هفت روز بود یه روز رفت یه روز برگشت میشد پنج روز».

عبارت «دیکتاتوری قانون» حاکی از موقعیتی است که همگرایی‌ها بر واگرایی‌های موجود فائق آمدند و راویان با اولویت‌بندی مطالبات به موفقیت نسبی دست یافتند.

۵.۵.۲. بازاندیشی و خودتأمل‌گری

راویان از خلال کنش‌های خود به دنبال نتایجی هستند که در مقایسه گذشته و حال فهم می‌شود. اگر کنشگری در اعتراض‌های معیشت‌پایه را چرخه‌ای در نظر بگیریم، پس از هر بار حضور در خیابان و پایان یک دوره از کنشگری روند بازاندیشی آغاز می‌شود.

مهدی (معلم متوسطه اول): «تا زمانی که برخورد امنیتی نشه و افراد بشنون که تجمعی با آرامش به پایان رسیده تقریباً برای مرحله بعد، کسیم که میترسیده میاد؛ ریزش مال زمانیه که خبر منتشر بشه که رفتن و کتک خوردن؛ خب یسری افراد محافظه‌کاری میکنن دیگه نیان».

در اینجا دو مفهوم از ساحت‌های انسان‌شناسی^۱ باخنین مطرح می‌شود؛ کنشگر از یک سو در قامت «من برای خویشتن» -یعنی خودم چنان که در محضر خودم وجود دارم- پدیدار می‌شود (Romdenh-Romlue, 2011: 93). به عقیده باخنین انسان از بدو تولد با جهان پیرامون وارد گفت‌وگو می‌شود؛ چنین امری در بازاندیشی در مورد اعتراض معیشت‌پایه نیز صدق می‌کند. روایت کنشگران نشان می‌دهد که کنشگر بنا به تجاربش به گفت‌وگو با خویشتن خویش می‌پردازد. بازاندیشی و خودتأمل‌گری در اعتراض هم به صورت فردی و هم جمعی انجام می‌شود؛ در اینجا ساحت «دیگری برای من» و نحوه‌ای که در نظر من جلوه‌گر می‌شود مطرح است؛ بر این اساس، کنشگر سیاسی نتایج مطالبه‌گری را برحسب روایت‌های دیگران از صحنه اعتراض برآورد می‌کند.

نیما (کارگر پارس جنوبی): «من تحت تأثیر اتفاقات هپکو، هفت‌تپه، آذران بودم و فعالیتاشونو دنبال می‌کردم و فعالیتایی که جنبش‌های دانشجویی روی موضوعات کارگری حالا خاصه هفت‌تپه، هپکو انجام میدادن؛ تحت تأثیر شرایطی که اونا به وجود آوردن بودم». کنشگری سیاسی زمانی که در «حیطه عمومی» در قالب یک اعتراض با دیگران به اشتراک گذاشته می‌شود و «نمود» پیدا می‌کند در حدود «امور پایدار» قرار می‌گیرد (Arendt, 2011: 100).

۱. انسان‌شناسی باخنین دربردارنده سه مفهوم «من برای خویشتن» (I for myself)، «دیگری برای من» (other for me) و «من برای دیگری» (I for the other) است (Romlue-R, 2011: 93).

قدرت حاصل از کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت پایه امری کوتاه‌مدت نیست؛ بلکه «نمود» آن تا مدت‌ها در حیطه سیاسی و میان کنشگران متعدد پایدار خواهد ماند. چنین امری تسریع روند پرولتر شدن و درونی کردن مطالبه‌گری در میان معلمان و کارگران را در پی خواهد داشت.

حاتم (کارگر پارس جنوبی): «تو چند سال گذشته دیگه کارگرو از اون بی‌صدایی آوردیم بیرون؛ مشکلاتشو آوردیم رسانه‌ای کردیم؛ اصلاً اون زمان کارگری نمیتونست بیاد با رئیس مجتمع حرف بزنه؛ الآن خیلی راحت داره انتقاد میکنه و میگه که آقا شما نمیتونی فلان بکنی؛ هیچ‌کس نیست بگه به کارگر چجوری صحبت کنه اون با کارای جمعی به آگاهی رسیده».

از جمله دستاوردهای کنشگران، پی بردن به قدرت «جمع» است. راویان زمانی را به تفکر در مورد آنچه گذشت اختصاص می‌دهند؛ اما به بیان آرنت این کناره‌گیری از جهان متضمن گفت‌وگوی فرد با خودش است؛ راویان از منظر «در جهان بودن» با درک قدرت جمعی‌شان، خود را در میان «گذشته‌ای بیکران و آینده‌ای بیکران» تصور کردند و این محرکی است که امیدواری را در میانشان زنده نگه میدارد (Arendt, 2012).

۶. نتیجه

روایت‌های معلمان و کارگران هفت‌تپه و پارس جنوبی دریچه تازه‌ای از رخداد‌های سال‌های اخیر در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد؛ این رخدادها به پایان نرسیده و همچنان التهابات ناشی از آنها در جامعه رؤیت‌پذیر است. در اینجا تلاش کردیم با روش روایت‌پژوهی و تصویرسازی‌های راویان، شمایی از اعتراض‌های صنفی ارائه دهیم. نظرگاه‌های باختین و آرنت در این روایتگری بسیار راهگشاست و به فراخور مفاهیم گوناگون صورت‌بندی آن تسهیل شد. در قدم اول، تیپ‌بندی راویان تلاشی در جهت تشریح تکثرات در اعتراض‌های معیشت پایه بود؛ معلمان و کارگران، سوژه مصر جهت احقاق حق، انشعابیون، توده تماشاگر و آخرخطی‌ها بودند که بنا به فضا و زمانشان رویکردهای متفاوتی به نابرابری‌های موجود اتخاذ کردند. در قدم بعدی بنابر مقتضیات روش روایت‌پژوهی، به زمینه و محیط اعتراض‌ها پرداختیم؛ توجه به شرایطی که اعتراض در آن رقم خورده موردی است که بیش از پیش در یک کار کیفی نمودار شده و در پژوهش‌های پیشین مشاهده نشده نبود. راویان به کمک «منطق گفت‌وگویی» در فضای مدرسه و کارخانه خواستار ایجاد «ما»ی جمعی و غلبه بر واگرایی‌ها بودند؛ در موارد متعددی پدیده‌هایی همچون «تنازع قدرت و شکاف‌های درون‌گروهی» و «ترس» مانع از همگرایی راویان بوده و آنان را به انزوا کشانده است؛ اقتضائات شغلی کنشگران همچون ضرورت تدریس و فصل کشت و برداشت به وقفه‌های زمانی در چرخه اعتراض منجر شده و همگرایی‌ها را برای زمانی هرچند اندک

تحت الشعاع قرار داده است؛ چراکه به تبعیت از مفهوم «کرونوتوپ»، انسان موجود بدنمندی است که بر اساس شرایط زمانی و مکانی عمل می‌کند. پس از زمینه‌های اعتراض، مسئله محوری روایان برای مطالبه‌گری مطرح شد؛ قدرت «تنگناهای معیشتی» اغلب از ترس بیشتر است و روایان برای اینکه خود را از شرایط مطلق «زحمت» برهانند و وارد عرصه «عمل» شوند، بر چانه‌زنی‌شان استمرار ورزیدند. پس از این روایان روندی تدریجی از راهبردها جهت رفع مشکل را اتخاذ می‌کنند؛ آنها به کمک گفت‌وگو از انزوا خارج شده و مطالبات خود را مطرح می‌کنند؛ روایان در روندی شش مرحله‌ای، «قوة خواستن» را فعلیت می‌بخشند و روش‌های گوناگونی از نامه‌نگاری تا حضور در خیابان را تجربه می‌کنند؛ روایت‌ها نشان می‌دهد که اغلب دو مرحله نهایی «کنترل فضای مدرسه/ کارخانه» و «خیابان» شرایط «نمود» را برای روایان فراهم کرده و دیگری قدرتمند را وادار به پاسخگویی می‌کند. چنین جنبه‌هایی با اولویت‌بندی مطالبات، سطح واگرایی را کاهش داده و همگرایی را تقویت می‌کند؛ در مقام قیاس، در پژوهش‌های پیشین اغلب چانه‌زنی کنشگران به دو مرحله آخر محدود شده است؛ درحالی‌که روایت‌ها، بیانگر روندی شش مرحله‌ای است. در نهایت روایان حرکت‌های اعتراضی خود را تأثیرگذار می‌دانند و مصادیقی از رفع مشکل را مطرح کردند؛ به عقیده آنها قوانین «رتبه‌بندی» و «همسان‌سازی» هرچند به‌طور ناقص عملیاتی شده، اما ماحصل کنش‌های اعتراضی آنهاست؛ آنها بر اساس سه‌گانه «حیات ذهن» مدام به تفکر و داوری در مورد فرایند کنشگری می‌پردازند و از این حیث دستاوردها را نسبت به هزینه‌ها ارزشمندتر یافتند. این پژوهش، تلاشی برای گردآوری و اتکا بر روایت‌ها برای شناسایی ابعاد کنشگری معلمان و کارگران بوده است؛ بنابر نتایج، طی سال‌های اخیر، شکل‌گیری کانون‌های صنفی قوت گرفته و کسب مجوز برای این تشکل‌ها می‌تواند قدمی مهم در جهت رشد جامعه مدنی باشد. در پایان، نظر به رویکرد این پژوهش به‌نظر می‌رسد استناد به داده‌های کمی و پژوهش‌های تطبیقی در آینده بر عمق این موضوع خواهد افزود.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

سپاسگزاری

از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش که با ما صمیمانه همراهی کردند سپاسگزاریم.

References

- Aalizad, I., Amini, S., & Darzinejad, K. (2024). The experience of political activism in economic-based protests: A comparative study of virtual and non-virtual campaigns. *Media Culture Society*, 31(51). **[In Persian]**
- Aghajari, R., & Sedighi, B. (2023). Discourse struggles and the power of workers: An analysis of the discursive field in the strike of Tehran Bus Company workers. *Cultural Studies and Communications Quarterly*, 19(2), 209-231. **[In Persian]**
- Akbari-Moghadam, N., & Hazari, A. M. (2023). Comparative study of protest identity and organizational institutions of social movements in Iran during 1999-2017. *Historical Sociology*, 14(1). **[In Persian]**
- Amiri, N. (2017). Intellectual background and literary thought of Mikhail Bakhtin. *Sociological Studies*, 24(1), 219-307. **[In Persian]**
- Arendt, H. (2011). *The Human Condition* (M. Aliya, Trans.). Tehran: Qaghnoos. **[In Persian]**
- Arendt, H. (2012). *The Life of the Mind*, Vol. 1: Thinking (M. Aliya, Trans.). Tehran: Qaghnoos. **[In Persian]**
- Bakhtin, M. M. (1981). *The Dialogic Imagination: Four Essays by M.M. Bakhtin*. Edited by Michael Holquist, translated by Caryl Emerson and Michael Holquist, University of Texas Press.
- Bradshaw, Leah. (1989). *Acting and Thinking, the Political Thought of Hannah Arendt*, University of Toronto Press.
- Gholamian Ramjardi, V., Khodami, A., & Karimi, M. R. (2022). *Investigating factors influencing labor strikes from a phenomenological approach: A case study of the Copper Complex Workers in Shahrehabak*. *Political and International Studies*, 13. **[In Persian]**
- Madani Qahfarokhi, S. (2016). *Social movements and democratization*. Tehran: Ruzaneh. **[In Persian]**
- Masoudnia, H., & Shafie Yangabadi, N.. (2024). Agreement and consensus in Iran: challenges and solutions. *Fasl'nāmeḥ-ye siyāsāt (Politics Quarterly)* 54, (4): 707-733, DOI: <https://doi.org/1022059/JPQ.2024.381917.1008207> . **[In Persian]**
- Moeinabadi, H., & Mehrabpanah, M. (2019). Identifying instances of civil disobedience in contemporary Iran (1979-1900 CE). *Fasl'nāmeḥ-ye siyāsāt*, 49(3), 805-819. **[In Persian]**
- Romdenh-Romlue, Komarine. (2011). *Routledge Philosophy Guidebook to Merleau-Ponty*. London: Routledge.
- Sardarneyah, K., & Alborzi, H. (2023). *An analysis of recent social-class protests in Iran (2021-2017) from the perspective of street politics theory*. *Scientific Journal of Strategic Research*, 11(40). **[In Persian]**
- Shamsisa, S. (2009). *Literary criticism*. Tehran: Mitra. **[in Persian]**
- Todorov, T. (2019). *The dialogic logic of Mikhail Bakhtin* (D. Karimi, Trans.). Tehran: Markaz. **[In Persian]**

- Todorov, T., Jakobson, R., Kristeva, J., Goldman, L., & Bakhtin, M. (1994). *The dialogic imagination, laughter, freedom: Mikhail Bakhtin* (M. Poyandeh, Trans.). Tehran: Arast. **[In Persian]**
- Zarniyevska, B. (2016). *Narrative in social science research: Introduction to qualitative methods* (N. Gholizadeh & H. Boudalayi, Trans.). Tehran: Sociologists. **[In Persian]**

COPYRIGHTS

©2023 by the University of Tehran. Published by the University of Tehran Press. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

